

۱۲. مروری بر سیاست‌های کلی برنامه پنجم در بخش آموزش عالی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	تبیین سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و آثار آن بر تدوین برنامه.....
۱.....	افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم و
۵.....	افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد
۱۱.....	۲. دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم.....
۱۴.....	۳. ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مربوط جامعه.....
۱۸.....	۴. توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری.....
۵.....	تحول و ارتقاء علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با
انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی	
۲۱.....	مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.....
۶.....	۶. گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق
ارتقای منزلت اجتماعی، ارتقای سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل	
پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها و کمک به تجاری‌سازی دستاوردهای آنان.....	۲۴.....
۲۷.....	جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد برای رفع خلأهای قانونی.....
۳۰.....	منابع و مآخذ.....



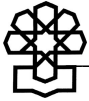
۱۲. مروری بر سیاست‌های کلی برنامه پنجم در بخش آموزش عالی

چکیده

باتوجه به اهمیت نقش علم و فناوری در توسعه همه‌جانبه در برنامه پنجم توسعه، سیاستی کلی تحت عنوان «تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش» با هدف پیشرفت و ارتقا علم و فناوری در کشور تعریف شده است.

تحقق این هدف مهم در برنامه پنجم در قالب محورهایی همچون: افزایش بودجه تحقیق و پژوهش، افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی، دستیابی به جایگاه دومی در عرصه علم و فناوری در منطقه، ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مرتبط در جامعه، توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری، تحول و ارتقاء علوم انسانی با تقویت و منزلت این علوم، دستیابی به فناوری‌های پیشرفته مورد نیاز و... دیده شده است.

در این گزارش تلاش شده است تا جهت نیل به اهداف مورد نظر در برنامه پنجم توسعه در حوزه علم و فناوری، به هریک از محورهای مندرج در سیاست فوق، به تفکیک پرداخت شده و ضمن تشریح هر یک از محورها، وضعیت فعلی آسیب‌شناسی



شود تا ضمن شناسایی خلأهای قانونی موجود، موانع و مشکلات احتمالی، برای برون‌رفت از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب و پیش‌بینی شده، راهکارهایی همچون: اصلاح ساختار آموزش عالی، تأسیس نهادی مستقل برای پژوهش در کشور، حمایت دولت از بخش‌های تحقیق و توسعه در صنعت و... برای توسعه هر چه بیشتر علم و فناوری در کشور پیشنهاد شوند.

مقدمه

اهمیت پیشرفت علم و فناوری به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای توسعه کشور موجب شده است که در برنامه پنجم توسعه، به علم و فناوری به‌عنوان یکی از مهمترین محورها نگریده شود. از آنجاکه رشد سریع علم و فناوری در سال‌های گذشته عمدتاً از بعد کمی بوده است، اکنون وقت آن رسیده که توجه ویژه‌ای به کیفیت معطوف شود؛ و این مهم بر عهده برنامه پنجم توسعه است. از این‌رو احکام مربوط به علم و فناوری در برنامه پنجم توسعه بسیار حائز اهمیتند.

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی که باید مبنای تهیه و تدوین قانون برنامه مذکور قرار گیرد در تاریخ ۲۲ دی ماه ۱۳۸۷ از سوی مقام معظم رهبری جهت اجرا به دولت ابلاغ شده است تا براساس آن سیاست‌ها، برنامه پنجم توسعه با جهت‌گیری دستیابی به اهداف مرحله‌ای متناسب با سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تهیه شود؛ به‌گونه‌ای که آثار سیاست‌های مذکور چه در بعد تقنین و چه در بعد اجرا ظهور و بروز یابد. نهایتاً حاصل اعمال این سیاست‌ها باید انجام اقداماتی اساسی



برای تدوین الگوی توسعه ایرانی - اسلامی باشد که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی را به دنبال داشته باشد.

سیاست‌های مذکور حسب امور مختلف، در ۴۵ بند اصلی به تصویب رسیده است که بندهای «۷، ۹، ۱۰ و ۱۱» آن در ارتباط با «نظام آموزش عالی و پژوهش»، مشتمل بر گزاره‌هایی به شرح زیر است:

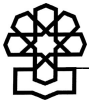
الف) افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم،

ب) افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به [میزان] ۲۰ درصد،

ج) دستیابی به جایگاه دوم علم و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم،
د) [برقراری] ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مربوط جامعه،

ه) توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری،
و) تحول و ارتقای علوم انسانی، با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاد اندیشی،

ز) گسترش حمایت‌های مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق ارتقای منزلت اجتماعی، ارتقای سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری



مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها و کمک به تجاری‌سازی دستاوردهای آنان.

طبیعتاً اعمال این سیاست‌ها باید در راستای تحقق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی صورت گیرد که لازمه آن حمایت از شکل‌گیری بازارهای رقابتی و ایجاد ساختارهای مناسب برای ایفای وظایف حاکمیتی، سیاستگذاری، هدایت و نظارت است که در بخش‌های آینده به آن پرداخته خواهد شد.

تبیین سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و آثار آن بر تدوین برنامه

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، به‌طور کلی راهنما و جهت‌دهنده دستگاه‌های اجرایی برای تدوین برنامه‌های بخشی و فرابخشی است. به این لحاظ برنامه پیشنهادی دولت باید به‌گونه‌ای تدوین شود که آثار سیاست‌های مورد بحث حسب مورد، در احکام برنامه دیده شود. این ارتباط باید تا حد از شفافیت و روشنی برخوردار باشد که امکان ارزیابی برنامه با توجه به سیاست‌های ابلاغی به سهولت فراهم آید.

با این توصیف در اینجا کوشش شده است که به تشریح هر یک از سیاست‌های مرتبط با بخش آموزش عالی پرداخته شود و برنامه‌ها و اقدامات ممکن، در ارتباط با سیاست‌های پیشگفته معرفی شود و نهایتاً راهکارها و چالش‌های موجود بر سر راه اجرای برنامه‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.



۱. افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم و افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد

این بند از سیاست‌ها شامل دو موضوع مهم و مرتبط با یکدیگر اما قابل تفکیک است. گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش در دانشگاه‌ها مستلزم افزایش بودجه پژوهشی از یک سو و افزایش شمار پژوهشگران ازسوی دیگر است تا بتوان هم نیروی انسانی توانمند و هم منابع مالی لازم را برای انجام این امر خطیر فراهم آورد. لذا این دو موضوع به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی تا پایان برنامه پنجم
الف) تشریح سیاست

در حال حاضر سهم بودجه پژوهش از تولید ناخالص داخلی با احتساب سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری از محل اعتبارات عمومی دستگاه‌های اجرایی و درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بخش غیردولتی در حدود ۰/۷ درصد است^۱ که از متوسط کشورهای منطقه و به‌طور کلی کشورهای در حال توسعه بیشتر است. واضح است که برای رسیدن به اهداف والای کشور در حوزه علم و فناوری باید این رقم را تا سطح کشورهای پیشرفته بالا برد.

۱. گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۸۵، ص ۹۳، جدول ۳۷.



به‌رغم تأکید بر افزایش درصد بودجه پژوهش در برنامه‌های پیشین توسعه، این درصد، سال‌هاست که کم‌وبیش در حد ۰/۵ الی ۰/۷ درصد ثابت مانده است. طبیعتاً افزایش این نسبت به رقم ۳ درصد تولید ناخالص داخلی به‌معنای آن است که سهم اعتبارات پژوهشی حداقل در یک دوره پنج‌ساله به بیش از ۴ برابر افزایش یابد و این همه ایجاب می‌کند که اولاً تقاضا برای پژوهش به همین نسبت افزایش یابد و ثانیاً دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی دولتی از یک سو و واحدهای تحقیق و توسعه شرکت‌های صنعتی ازسوی دیگر آمادگی و توان جذب این حجم از اعتبارات و پاسخگویی به تقاضاهای بخش‌های مختلف جامعه را داشته باشند.

به این ترتیب با فرض افزایش اعتبارات پژوهشی، لازم است پژوهش‌ها در راستای منافع ملی جهت‌دهی شوند و در همین خصوص لازم است از طریق کنترل اعتبارات پژوهشی، پژوهشگران به سمت پژوهش‌های سودمند شامل پژوهش‌های کاربردی در جهت تولید ثروت در صنعت هدایت شوند. در این صورت می‌توان انتظار داشت که پژوهش از یک سو بستر توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی اجتماعی کشور را فراهم آورد و ازسوی دیگر بخش‌های دولتی و غیردولتی را به سرمایه‌گذاری در امر پژوهش تشویق و ترغیب کند و به دنبال آن سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی روندی افزایشی یابد.

ب) موانع و مشکلات احتمالی و راهکارهای پیشنهادی

در ایران، صنایع غالباً دولتی هستند و در نتیجه رقابتی برای تولید بهتر و جذب مشتری بیشتر وجود ندارد. نبود بازار رقابتی و استفاده از رانت انحصار سبب شده است که اساساً نیاز به افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت تولید که لازمه آن حرکت به



سمت پژوهش و رونق بازار پژوهش است، هرگز احساس نشود. به خصوص که صنعت برای حل مشکلات خود نیازمند بهره‌گیری از راهکارهای عملی در کوتاه‌ترین زمان ممکن است و به این لحاظ نمی‌تواند برای استفاده از نتایج پژوهش و تحقیق آکادمیک و دانشگاهی داخلی که دستیابی به آن مدت زمان زیادی می‌طلبد منتظر بماند، بلکه به لحاظ رعایت سرعت تولید روی حفظ بازار ناگزیر است که از طریق خرید پتنت یا لیسانس و دانش فنی مربوط نیاز خود را به سرعت برطرف کند. با این همه دولتی بودن صنایع، داشتن انگیزه برای افزایش بهره‌وری، بهبود محصول و رسیدن به قیمت رقابتی را دور از انتظار جلوه می‌دهد، تا جایی که انعقاد محدود قراردادهای پژوهشی موجود بین صنایع و دانشگاه‌ها نیز بیشتر جنبه صوری و نمایشی می‌یابد و یا برای رفع تکلیف یا کسب وجهه علمی انجام می‌شود، نه اینکه پژوهشگر ملزم باشد که برای حل یک مشکل که چرخه فعالیت صنایع را درگیر کرده است، راه‌حل و پاسخی بیابد.

باتوجه به آنچه گذشت می‌توان انتظار داشت که در برنامه پنجم توسعه نکاتی به شرح زیر مورد توجه قرار گیرد.

- افزایش تدریجی اعتبارات پژوهشی

افزایش اعتبارات تحقیقاتی از وضع موجود به وضع مطلوب در صورتی اثربخش می‌تواند باشد که در قالب برنامه زمان‌بندی مشخص و در تناسب با تعبیه سازوکارهای لازم برای اجرای طرح‌های پژوهشی اولویت صورت گیرد. البته طرح‌های پژوهشی مذکور باید به حل معضلات اساسی بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور معطوف باشد و هزینه‌کرد اعتبارات مربوط به آنها تحت نظارت دقیق



قرار گیرد!^۱

- هدفمند کردن اعتبارات پژوهشی و استفاده بهینه از امکانات موجود

یکی از مهم‌ترین نیازهای کشور هدفمندکردن اعتبارات پژوهشی است. از جمله اینکه باید به راهکارهایی اندیشید که تخصیص اعتبارات پژوهشی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، در یک بازار رقابتی، مبتنی بر اولویت‌های پژوهشی کشور و متناسب با امکانات تحقیقاتی آن مراکز سوق داده شود.

همچنین لازم است ترتیبی اتخاذ شود که افزایش اعتبارات پژوهشی با استفاده حداکثری از امکانات موجود همراه باشد.

به‌عنوان نمونه می‌توان روالی را در پیش گرفت که دانشجویان، پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور بتوانند حسب نیاز خارج از ساعات اداری نیز با استفاده از کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های مربوط، به انجام فعالیت‌های علمی مشغول شوند تا به این ترتیب استفاده حداکثری از امکانات تحقق یابد و از هدر رفتن فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود جلوگیری شود.

نبود بانک جامع اطلاعاتی از تحقیقات انجام شده و عدم دسترسی همگان به نتایج تحقیقات نیز معضلی است فرصت زیادی را از جامعه دانشگاهی و محققین می‌گیرد و هم زمینه انجام کارهای موازی و مشابه را فراهم می‌سازد.

۱. تحقق این مهم ایجاب می‌کند که تحقیقات، به صورت هدفمند تعریف شود و با تعبیه مکانیسم‌های مؤثر از موازی‌کاری جلوگیری به عمل آید. برای این منظور لازم است سامانه جامعی برای هدایت اعتبارات پژوهشی تعریف شود که در آن محورهای پژوهشی تعریف شده باشد و متقاضیان براساس اولویت‌های پژوهشی (که برپایه سیاست‌های کلان کشور تعیین می‌شود) موفق شوند اعتبار پژوهشی لازم را دریافت کنند.



۱-۲. افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های

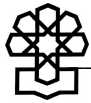
تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد

- تشریح سیاست

براساس آمار مندرج در آخرین گزارش ملی آموزش عالی ایران منتشر شده در سال ۱۳۸۵ تعداد دانش‌آموختگان دوره کارشناسی نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر بوده است.

براین اساس اعمال سیاست ۲۰ درصد به معنی لزوم ظرفیت‌سازی برای پذیرش حدود ۶۰ هزار نفر در دوره کارشناسی ارشد است. با توجه به اینکه در سال ۱۳۸۶ ظرفیت پذیرفته‌شدگان در دوره کارشناسی ارشد کمتر از ۴۰ هزار نفر بوده است، تحقق این سیاست ایجاب می‌کند که ظرفیت پذیرش در دوره کارشناسی ارشد حداقل طی برنامه پنجم توسعه به میزان ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۳۸۶ افزایش یابد.

این حد از افزایش دانشجو در دوره کارشناسی ارشد که سرآغاز تخصص‌گرایی در تحصیلات دانشگاهی است ایجاب می‌کند که اولاً توسعه رشته‌ها و پذیرش دانشجو مبتنی بر نیازهای تخصصی کشور انجام شود؛ ثانیاً بسترهای حقوقی لازم برای ظرفیت‌سازی و استفاده از شیوه‌های مختلف اجرای دوره‌های آموزشی، در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی فراهم آید؛ ثالثاً راهکارهای مشخصی برای جذب و تأمین هیئت علمی مورد نیاز، با هدف تضمین کیفیت این دوره‌ها تعبیه شود؛ رابعاً تمهیداتی برای اشتغال اکثریت دانش‌آموختگان این دوره در مشاغل تخصصی متناسب با تحصیلات آنها و نیز زمینه ادامه تحصیل اقلیتی از این دانش‌آموختگان در دوره دکتری تخصصی اندیشیده شود و نهایت اینکه تأمین همه این موارد تحت تأثیر اعمال سیاست پیشگفته، تأمین اعتبارات قابل توجهی را ایجاب می‌کند که قاعداً باید بخشی



از آن توسط دولت تأمین شد و بخشی دیگر با استناد به سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و عملیاتی کردن آنها به عهده بخش غیردولتی گذاشته شود.

البته به موازات توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی باید راهکارهای معطوف به پرورش خلاقیت، توسعه ظرفیت کارآفرینی و نیز تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات با جدیت دنبال شود، تا آنجا که هدف اصلی آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی باید پرورش خلاقیت و نوآوری باشد. زیرا تنها معلومات کسب شده در دوران تحصیل ضامن موفقیت یک دانش‌آموخته نیست، بلکه بایستی فرهنگ نوآوری در جامعه بسط داده شود، به نحوی که جامعه قابلیت پذیرش نوآوری و مدیران نیز جرئت پذیرش ریسک را پیدا کنند.

علاوه بر این، کارآفرینی به مفهوم ایجاد فرصت‌های جدید شغلی، باید رویکرد غالب در همه دوره‌های آموزشی به‌ویژه در دوره تحصیلات تکمیلی باشد و این مهم البته زمانی حاصل می‌شود که توسعه علم و فناوری برپایه خلاقیت و نوآوری باشد. واقعیت این است که ایران ظرفیت کارآفرینی زیادی دارد و بهره‌برداری بهینه از این توانمندی‌های بالقوه ایجاب می‌کند که با بسترسازی و برنامه‌ریزی فرصت رشد خلاقیت و نوآوری در جهت کارآفرینی فراهم شود.

امروزه یکی از وجوه عمده کارآفرینی استفاده از دنیای مجازی به‌عنوان فرصت‌های کسب‌وکار است، که در صورت فراهم آمدن زمینه‌های حقوقی و قانونی لازم، برنامه‌ریزی برای دسترسی عمومی به اینترنت ارزان‌قیمت و برقراری ارتباط مالی با مراکز بین‌المللی در عین رعایت ضوابط و حفظ ارزش‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و شکوفایی جوانان ایرانی در عرصه اشتغال و کارآفرینی باشد.

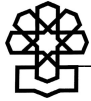


۲. دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم

۲-۱. تشریح سیاست

دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه ایجاب می‌کند که در درجه اول نسبت به جایگاه واقعی علم و فناوری در ایران و سایر کشورهای منطقه شناخت حاصل شود و براساس شاخص‌های مؤثر و تعیین‌کننده رتبه کشور از حیث تولیدات علمی و فناوری در بین کشورهای منطقه مشخص شود و در درجه دوم راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات آینده کشورهای رقیب در عرصه آموزش عالی و پژوهش مورد بررسی قرار گیرد و نهایتاً باتوجه به پیش‌بینی جایگاه کشورهای منطقه، سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های توسعه علمی کشور تدوین گردد و مبتنی بر آن اقدامات لازم برای پشت سر گذاشتن کشور یا کشورهای رقیب، صورت گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه، این راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات باید اولاً معطوف به حل مسائل بومی کشور باشد و ثانیاً باتوجه به وضعیت شاخص‌ها و نشانگرها در دوره‌های زمانی مشخص، مورد ارزیابی و در صورت لزوم مورد تعدیل قرار گیرد.

در این فرایند مسلماً بهره‌گیری از شاخص‌ها و نشانگرهایی همچون تعداد مقالات انتشار یافته، تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی و ثبت اختراع، لزوماً نمی‌تواند گویای اعمال این سیاست باشد، بلکه برای ارزیابی این مهم به شاخص‌ها و نشانگرهای دیگری نیاز است که بتواند جایگاه واقعی آموزش عالی و تحقیقات را در رفع معضلات جامعه، تأمین نیازمندی‌های اساسی مردم، رشد تولید و افزایش سهم خلاقیت و



نوآوری در فرایند تولید را نشان دهد.^۱

در همین خصوص جهت‌دار کردن پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به سمت حل مسائل بخش‌های مختلف اقتصادی اجتماعی و فرهنگی از یک سو و هدفمند کردن واحدهای تحقیق و توسعه در بخش صنعت از سوی دیگر از جمله اقداماتی است که می‌تواند به ارتقاء جایگاه علمی و فناوری کشور کمک کند.

۲-۲. شاخص‌های پیشنهادی

پیشرفت علم و فناوری در ایران طی سال‌های اخیر انکارناپذیر است، ولی برای تعیین جایگاه واقعی ایران در عرصه‌های علمی و فناوری به شاخص‌هایی نیاز است که نه فقط معیار تشخیص، بلکه بیانگر وضعیت علمی کشور باشند. در این خصوص، از جمله می‌توان نشانگرهایی از سنخ نشانگرهای مشروحه زیر را به‌عنوان نمونه در حوزه عملکردی اعضای هیئت علمی و دانشمندان برای تشخیص سمت‌گیری کشور برای نیل به اهداف سند چشم‌انداز و ارتقا جایگاه علمی و فناوری کشور تعریف کرد و آنها را مبنای ارزیابی وضعیت علمی و فناوری در ادوار مختلف قرار داد:

۱. دریافت جوایز خاص در زمینه تخصصی،

۲. عضویت در مجامعی که اعضای آن جوامع توسط متخصصان و براساس

دستاوردهای مهم و اثرگذار خود انتخاب می‌شوند،

۱. درحال حاضر جمهوری اسلامی ایران براساس کل تولیدات علمی مشخص شده در پایگاه WOS، در رتبه سوم قرار دارد.



۳. عضویت در هیئت‌های ناظر بر کار دیگر دانشمندان،

۴. ارائه دستاوردهای مهم علمی از طریق رسانه‌های عمومی و یا تخصصی در

سطح جهان،

۵. داشتن نقش حیاتی یا هدایتی در یک سازمان که منجر به اعتبار بین‌المللی آن

سازمان شود،

۶. درآمد حاصل از فروش اختراعات به جای تعداد ثبت اختراعات.

حال آنکه صرف استناد آماری به تعداد مقالات انتشار یافته نمی‌تواند بیانگر

پیشرفت علمی کشور باشد. بلکه از بعد کیفی پیشرفت علمی کشور نیازمند تعبیه،

سازوکارهایی برای حرکت به سمت چاپ مقالات تأثیرگذاری است، که غالباً مبتنی بر

فعالیت و نوآوری تولید می‌شوند و به همین دلیل مورد توجه جامعه علمی قرار

می‌گیرند و می‌توانند تأثیر به‌سزایی بر پیشرفت علم بگذارند.

شاخص مهم دیگری که می‌تواند برای بررسی توسعه علمی در یک کشور مورد

استناد قرار گیرد حضور مستمر دانشمندان آن کشور در عرصه‌های بین‌المللی است.

زیرا دستیابی به این موقعیت‌ها لازمه پیشرفت علمی در سطوح فردی و ملی

است. از این حیث فراهم آوردن بسترهای مناسب برای تسهیل تعامل مستمر

دانشمندان ایرانی داخل و خارج از کشور از یک سو و تعامل مداوم دانشمندان ایرانی

و غیر ایرانی از سوی دیگر، می‌تواند به برنامه توسعه علمی کشور کمک کند.



۳. ارتباط مؤثر بین دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های

مربوط جامعه

۱-۳. تشریح سیاست

طی ۲۰ سال گذشته، مبتنی بر برنامه‌های توسعه، تلاش‌های زیادی صورت گرفته است

تا ارتباط دانشگاه و صنعت در کشور تقویت شود، اما نتیجه این تلاش‌ها در عمل

چندان رضایت‌بخش نبوده است. در تبیین علت این عدم موفقیت می‌توان به‌طور کلی

به عدم درک متقابل دانشگاه و صنعت از یکدیگر و همچنین نبود بسترهای مناسب

حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برای تأمین نظر دو طرف اشاره کرد.

به‌خصوص که طی دو دهه گذشته، ساختار مراکز پژوهشی به سمت ساختار

دانشگاه‌ها سوق یافته است و این‌گونه مراکز با غفلت از رسالت اصلی خود عملاً به

واحدهای تحصیلات تکمیلی تبدیل شده‌اند و از آنجا که عمده تحقیقات آنها مربوط به

پروژه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی است، مراکز پژوهشی عملاً تحقیقات

کاربردی را در قالب پروژه‌های دانشجویی پیش می‌برند. حال آنکه بازنگری در

رسالت و مأموریت‌های مراکز تحقیقاتی با هدف حفظ ماهیت، کارکردها و نقش

این‌گونه مراکز می‌تواند به تقویت ارتباط آنها با مراکز صنعتی بینجامد و از این طریق

امکان استفاده از نتایج تحقیقات دانشگاهی برای بخش صنعت فراهم آید. این اقدام

به‌ویژه در حال حاضر که کشور بیش از پیش به تحقیقات فناوری - محور نیاز دارد،

از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است.



۲-۳. آسیب‌شناسی وضع موجود

درحالی که حضور دانشجویان جوان در دانشگاه‌ها موجب پویایی ذاتی دانشگاه‌ها می‌شود، مشکل اصلی مراکز پژوهشی را می‌توان در ضعف و عدم پویایی آنها خلاصه کرد. به خصوص که اجازه پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی به مراکز مذکور نیز نتوانسته است محیطی پویا برای مراکز پژوهشی به وجود آورد. نتیجه محتوم این موقعیت، فقدان انگیزه اعضای هیئت علمی توانمند برای خدمت در مراکز پژوهشی است.

از جنبه‌ای دیگر اتکا بیش از حد صنعت به فناوری‌های وارداتی از یک‌سو و وجود محدودیت‌های قانونی، حقوقی، اداری و سازمانی برای برقراری ارتباطات بین بخشی از سوی دیگر به کاهش تقاضای تحقیقاتی از ناحیه بخش صنعت می‌انجامد. در یک چنین شرایطی بازار تحقیق عملاً از رونق می‌افتد و به تبع آن زمینه‌های بروز خلاقیت و نوآوری بیش از پیش رنگ می‌بازد. اما همین ارتباطات محدود نیز اغلب منحصر به عقد قرارداد صنعت با معدود دانشگاه‌های پرآوازه، به قیمت نادیده گرفتن امکانات و مأموریت‌های مراکز پژوهشی است. حال آنکه به خلاف وضع موجود که ارتباط مستقیم دانشگاه و صنعت را هدف قرارداده است، این مراکز پژوهشی هستند که باید به‌عنوان حدواسطی بین دانشگاه و صنعت عمل کنند.

علاوه بر این باید توجه کرد که حیات صنعت وابسته به ملاحظات اقتصادی است و بدون دیدگاه‌های اقتصادی به خصوص در عرصه رقابت آزاد صنعت نمی‌تواند دوام بیاورد. بنابراین هرگونه سرمایه‌گذاری صنعت در امور پژوهش منوط به امکان سودآوری آن پژوهش برای صنعت است. بنابراین دانشگاه باید از این منظر به



تحقیقات مورد نیاز صنعت بنگرد. علاوه بر این توجه به خصوصیات زیر می‌تواند به برقراری رابطه بین صنعت و دانشگاه بینجامد و یا رابطه موجود را تقویت کند:

الف) پروژه‌های صنعت به دلیل وجود بازارهای رقابتی محرمانه هستند و به سفارش یک شرکت خاص انجام می‌شوند؛ در نتیجه نتایج تحقیقات باید تنها در اختیار کارفرما قرار گیرد و به این لحاظ نمی‌تواند به صورت پایان‌نامه و یا مقاله منتشر شود بلکه باید توسط گروهی متشکل از محققان با تجربه انجام شود.

ب) پروژه‌های صنعت، غالباً پروژه‌های کاربردی هستند که باید با توجه به نیازها و پتانسیل‌های کارفرما به اجرا گذاشته شوند. از این حیث اجرای این‌گونه پروژه‌ها باید با دقت و بدون پرداختن به تحقیقات حاشیه‌ای انجام شود.

ج) صنعت اساساً برپایه رقابت بنا نهاده شده است. بنابراین پروژه‌های صنعت باید با در نظر گرفتن وضعیت شرکت‌های رقیب به‌ویژه پیشگامان انجام شود. حال آنکه دانشگاهیان غالباً پرداختن به این مقولات شبه‌تجاری را در حیطه وظایف خود نمی‌دانند.

د) مسئله دیگری که موجب تضعیف ارتباط دانشگاه و صنعت می‌شود، کم‌توجهی مدیران صنایع به واحدهای تحقیق و توسعه در صنعت است. حال آنکه شرکت‌های موفق در عرصه صنعت جهانی درصد قابل توجهی از سود خود را در بخش تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند که این خود دستاوردهای ارزنده‌ای را برای شرکت به دنبال دارد. حال آنکه به باور برخی از صاحبان صنایع چون صنایع داخلی برپایه فناوری‌های خارجی بنیان گذاشته شده است، به تحقیق و توسعه نیازی نیست.

**۳-۳. ابعاد همکاری دانشگاه و صنعت**

ارتباط دانشگاه و صنعت در ایران در خوشبینانه‌ترین صورت، انجام پروژه‌های مورد درخواست صنعت توسط دانشگاه‌های شناخته شده است. به بیان دیگر از منظر دانشگاه، صنعت یک منبع مالی برای کمک به انجام تحقیقات دانشگاهی است. درحالی‌که ارتباط دانشگاه و صنعت فراتر از این تعریف است تا آنجا که می‌تواند به طرق زیر موجبات تقویت هر دو طرف را فراهم آورد:

۱. هدایت دانشجویان در راستای فناوری‌های روز جهان،
۲. تقویت برنامه‌های درسی دانشگاهی با توجه به واقعیت‌ها و نیازهای صنعت و بازار کار،

۳. تربیت نیروهای متخصص با دیدگاه‌های مناسب نسبت به صنعت،

۴. تقویت توان علمی متخصصان صنعت،

۵. معرفی امکان‌های جدید علمی برای به‌وجود آوردن صنعت نوآور.

۳-۳-۱. مزایای ارتباط دانشگاه و صنعت

توسعه ارتباط دانشگاه و صنعت می‌تواند به نتایجی به شرح زیر منتهی شود:

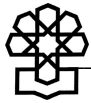
۱. افزایش دسترسی به امکانات و تجهیزات تحقیقاتی (آزمایشگاهی و صنعتی)،
۲. برخورداری پژوهشگران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی از حمایت‌های مادی

و معنوی،

۳. شکل‌گیری شبکه متخصصان دانشگاه و صنعت،

۴. تسریع در تولید محصولات بهتر و ارائه خدمات برتر،

۵. امکان ثبت اختراع و حفظ حقوق معنوی اکتشافات برای دانشگاه،



۶. استفاده از امکانات بخش صنعت برای سرمایه‌گذاری در دانشگاه،

۷. افزایش بودجه تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای،

۸. فراهم آوردن فرصت همکاری مستقیم دانشگاه و صنعت و استفاده از دانش

جدید در جهت ارتقا بخش صنعت،

۹. تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری در دانشگاهیان و ایجاد فرصت‌های شغلی

برای فارغ‌التحصیلان،

۱۰. افزایش اعتبار دانشگاه.

با عنایت به فواید مترتب بر ارتباط دانشگاه و صنعت، انجام اقداماتی به شرح زیر

متصور است:

- تصویب قوانین متضمن حقوق مشترک پژوهشگران دانشگاهی و مؤسسات

صنعتی بر مالکیت فکری ایده‌ها و طرح‌های مشترک و نیز تدوین قوانین شفاف درباره

حقوق و سهم هریک از این دو گروه از عواید پروژه‌های مشترک،

- سیاستگذاری مناسب دولت برای انجام تحقیقات در زمینه علوم پایه به‌دلیل

فقدان جاذبه لازم برای سرمایه‌گذاری مؤسسات صنعتی در این حوزه علمی،

- تدوین مقررات شفاف، در جهت مشخص شدن حقوق پژوهشگران و صاحبان

صنایع به‌دلیل محرمانه بودن غالب تحقیقات مرتبط با صنایع.

۴. توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم و فناوری

۴-۱. تشریح سیاست

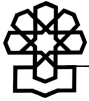
باتوجه به اینکه تولید علم و فناوری به سرمایه‌گذاری پر حجم و دیربازدهی نیاز دارد،



بنابراین به طور طبیعی با اقبال بخش خصوصی مواجه نیست، به همین لحاظ در بسیاری از کشورها، اعتبارات لازم برای انجام پژوهش‌های بنیادی و پژوهش‌های پیشگام عمدتاً از منابع دولتی تأمین می‌شود. با این همه باتوجه به قانون برنامه چهارم توسعه که کوچک شدن دولت را مورد تأکید قرار داده است و با عنایت به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که حمایت از بخش خصوصی برای انجام بسیاری از اقدامات و تصدی‌گری‌ها را توصیه می‌کند، تدوین راهکارهای مناسب برای تقویت بخش خصوصی در عرصه‌های علم و فناوری ضروری است. هر چند که نیل به این مهم مستلزم گذر از فرایندهای پیچیده و دشواری است که بعضاً ریشه در فرهنگ اداری کشور دارد.

۲-۴. آسیب‌شناسی وضع موجود

متورم شدن بدنه دولت و استفاده غیربهبینه و نابه‌جا از اعتبارات مربوط به تولید علم و فناوری از جمله به دلیل روشن نبودن اولویت‌های تحقیقاتی کشور و بی‌اعتمادی و بی‌اعتنایی به بخش خصوصی از اهم آسیب‌ها در حوزه تولید علم و فناوری است. برون‌رفت از این وضعیت ایجاب می‌کند که دولت اعتبارات دولتی را به گونه‌ای هزینه کند که برای کشور منافع بیشتری دربرداشته باشد. به این ترتیب می‌توان دریافت که دولت لزوماً وظیفه‌ای برای حفظ و نگهداری سازمان‌های دولتی، در صورتی که کارایی لازم را نداشته باشند ندارد، بلکه با عنایت به سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی با برون‌سپاری تدریجی تصدی‌گری‌ها، سازمانی‌های دولتی برای حفظ بقا باید به طور آزاد با سازمان‌های غیردولتی به رقابت بپردازند.



تعبیر عمومی از سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی تنها نمی‌تواند به خصوصی‌سازی سازمان‌های دولتی محدود شود، بلکه کشور به نهادینه شدن تفکر مبتنی بر اصل ۴۴ نیاز دارد. زیرا نظام غیردولتی ناگزیر است همواره با کارآمدترین سیستم‌ها و برخورداری از بالاترین درجه بهره‌وری ادامه حیات خود را امکان‌پذیر سازد.

در وضعیت موجود نظام علم و فناوری بزرگ‌ترین مشکل برای تأمین و هزینه‌کرد کامل اعتبارات مصوب غیبت بخش غیردولتی در این عرصه است. به بیان دیگر بخش غیردولتی در ایران نه در تأمین و نه در مصرف اعتبارات پژوهشی نقش فعالی ندارد. این درحالی است که در کشورهای پیشرفته عمده اعتبارات پژوهشی توسط بخش‌های غیردولتی تأمین می‌شود و سهم قابل ملاحظه‌ای از تحقیقات نیز در بخش غیردولتی انجام می‌شود.

البته باید توجه داشت که بخش غیردولتی در صورتی حاضر به سرمایه‌گذاری در امر پژوهش است که اعتبارات دولتی به‌طور عادلانه بین بخش دولتی و غیردولتی توزیع شود. در این حال می‌توان انتظار داشت که بخش غیردولتی بتواند به انجام پژوهش‌های اصیل^۱ بپردازد. در عین حال باید توجه داشت که توسعه پایدار علم و فناوری به فعال شدن بیش از پیش بخش خصوصی در کنار بخش دولتی در نظام علم و فناوری موکول است.



۵. تحول و ارتقاء علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی

۱-۵. تشریح سیاست

علوم انسانی در عین حال که حامل میراث ادبی و فرهنگی است، فاقد جاذبه و سودآوری تجاری برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی است. از این رو هرگونه تحول و ارتقاء در علوم انسانی نیازمند سرمایه‌گذاری کافی، جذب استعدادها و درخشان و با انگیزه و اتخاذ رویکردهای نوین در آموزش و تشویق نظریه‌پردازی در این زمینه است.

۲-۵. آسیب‌شناسی وضع موجود

علوم انسانی را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: دسته اول رشته‌های تحصیلی که دارای مبدأ و منشأ درونی در فرهنگ و ادب و نظام ارزشی ماست (نظیر حقوق، ادبیات، تاریخ، فلسفه، هنر و جز آن). در این زمینه کشور ما دارای پیشینه غنی و پر بار است و چندان به منابع بیرونی نیاز ندارد و با گسترش و توسعه درونزا می‌تواند به بالندگی و پویایی دست یابد.

دسته دیگر رشته‌های تحصیلی نسبتاً جوانی هستند که در دهه‌های اخیر عمدتاً در کشورهای غربی نشو و نما کرده و به عرصه آموزش عالی کشور ما راه یافته‌اند



(نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...). در این قلمرو باید اذعان کرد که مباحث بومی و متناسب با فرهنگ، باورها و ارزش‌های ما کمتر یافت می‌شود و آنچه که در این رشته‌ها آموزش داده می‌شود اساساً برگرفته از روش‌شناسی، فلسفه و پارادایم‌ها و رویکردهای غربی است. جبران این نقیصه مستلزم جذب استعدادها و سرشار، اندیشه‌های نوین و نظریه‌پرداز است تا راه‌های نو را در این عرصه بگشایند و صبغه وارداتی این علوم را تغییر دهند و هویتی بومی به آن ببخشند.

برای تقویت بنیه و بنیادهای بومی این بخش از علوم، مؤسسه‌ها پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌های متعددی پا به عرصه وجود نهاده‌اند، با این حال هیچ یک از سازمان‌ها و نهادهای مذکور حتی به‌طور رسمی مدعی ارائه اندیشه‌های بومی و برخاسته از فرهنگ، باورها و ارزش‌های ایرانی و اسلامی نیستند. دانشگاه‌های مجری رشته‌های علوم انسانی نیز هیچ کدام داعیه‌ای در این زمینه ندارند و همچنان از منابع ترجمه‌ای غرب استفاده می‌کنند. حال آنکه رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ایجاب می‌کند که ما راه خود را تا ارائه یک جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بومی و نظریه‌پردازی در این زمینه‌ها کوتاه کنیم. هر چند که تحقق این امر کاری بس دشوار است و به سال‌ها تلاش مستمر و پژوهش عمیق و گسترده نیازمند است.

اهم موانع و مشکلات موجود بر سر راه توسعه و ارتقا علوم انسانی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- فقدان جاذبه علوم انسانی برای استعدادها و درخشان و اندیشه‌های خلاق،
- ضعف جنبه‌های درآمدی و سودآوری علوم انسانی در مقایسه با سایر رشته‌ها،



- جوان بودن نسبی این علوم و عدم قطعیت یافته‌های آن،
 - عدم تبیین رابطه علم و دین به‌ویژه در ارتباط با ارائه نسخه بومی و اسلامی از علوم انسانی،
 - حساسیت انتشار نتایج پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی،
 - زمان‌بر بودن تحقیقات علوم انسانی در مقایسه با علوم پایه،
 - سهم ناچیز اعتبارات اختصاص‌یافته به حوزه علوم انسانی در قیاس با اعتبارات اختصاص‌یافته به سایر حوزه‌ها.
- فائق آمدن بر این مشکلات ایجاب می‌کند که بر جاذبه‌های مادی و معنوی رشته‌های علوم انسانی افزوده شود تا به‌تبع آن امکان جذب نیروهای مستعد و جوانان تیزهوش به این رشته‌ها فراهم آید و نتیجتاً به رشد و ارتقا علوم انسانی بینجامد. ازسوی دیگر لازم است با وضع مقررات و اندیشیدن تمهیدات قانونی از تحت‌الشعاع قرار گرفتن رشته‌های علوم انسانی در نظام آموزش عالی کشور جلوگیری شود و باتوجه به زمان‌بر بودن پژوهش در عرصه علوم انسانی، آیین‌نامه ارتقا اعضای هیئت علمی به‌گونه‌ای اصلاح شود که به جای کمیت محوری در انتشار مقالات علمی، کار کیفی اما کم تعداد در این رشته‌ها ملاک عمل قرار گیرد.



۶. گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری از طریق ارتقای منزلت اجتماعی، ارتقای سطح علمی و مهارتی، رفع دغدغه خطرپذیری مالی در مراحل پژوهشی و آزمایشی نوآوری‌ها و کمک به تجاری‌سازی دستاوردهای آنان

۱-۶. تشریح سیاست

نخبگان سرمایه‌های علمی بی‌بدیل و ارزشمند هر جامعه هستند که شایان توجه ویژه و بایسته‌اند. این امر باید صورتی سازمان‌یافته و هدفمند به‌خود بگیرد و شامل حمایت‌های مادی و معنوی و ارائه امکانات و تسهیلات لازم برای آزمودن بی‌دغدغه اندیشه‌های نوین نخبگان کشور باشد.

۲-۶. آسیب‌شناسی وضع موجود

در همین ارتباط شورای هدایت استعدادهای درخشان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با اهداف، وظایف و اختیارات متنوع و متعددی تشکیل شده است^۱ که گسترش مرزهای دانش با استفاده از استعدادهای درخشان؛ تربیت چهره‌های علمی شاخص به‌منظور تحکیم موقعیت علمی کشور؛ برنامه‌ریزی و سازماندهی مناسب برای شناسایی و شکوفاسازی و هدایت استعدادهای درخشان به‌سوی اولویت‌های کشور در حوزه علوم، فناوری و حمایت مادی و معنوی از آنها؛ بررسی مشکلات و مسائل مربوط به دانشجویان ممتاز و ارائه راهکارهای لازم؛ تصویب طرح‌ها، آیین‌نامه‌ها و

۱. گزارش ملی آموزش عالی ایران ۱۳۸۵، صص ۹۴ - ۹۵.



برنامه‌های آموزشی خاص استعداد‌های درخشان و ایجاد تسهیلات آموزشی، پژوهشی و رفاهی برای آنها؛ و تصویب ضوابط و مقررات مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های مصوب؛ و تعیین سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی به‌منظور شناسایی، جذب، شکوفاسازی، هدایت و حمایت از استعدادها و عملکردهای درخشان، بخشی از وظایف و اختیارات آن شورا محسوب می‌شود.

باین‌همه و به‌رغم وظایف متعدد و متنوع، تأمین اعتبار لازم به‌منظور پرورش و هدایت استعداد‌های درخشان برای دستگاه‌های اجرایی ممکن نبوده است، تا چنانکه باید و شاید به شناسایی، جذب، شکوفاسازی، هدایت و حمایت از استعداد‌های درخشان بپردازند.

شورای هدایت استعداد‌های درخشان در دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مبتنی بر سیاست‌های کلی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت دارد، ضمن اینکه بخشی از وظایف محوله به شورای هدایت استعداد‌های درخشان می‌تواند با وظایف سازمان ملی نخبگان همپوشانی داشته باشد.

به‌طور خلاصه، اهم موانع و مشکلات موجود بر سر راه هدایت استعداد‌های درخشان را می‌توان در عدم کفایت بودجه و امکانات برای شناسایی، جذب، به‌کارگیری و بالندگی آنها خلاصه کرد. این کم‌توجهی به‌خصوص از این حیث اهمیت دارد که پدیده مهاجرت نخبگان همواره دغدغه خاطر مسئولان آموزش عالی کشور بوده است. اگر پذیرفته شود که آنچه بیش از همه دل و جان نخبگان علمی را به‌خود مشغول می‌دارد تعالی و بالندگی علمی، آموختن اندیشه‌های تازه، گشودن راهی جدید



فراروی جامعه بشری و در انداختن طرحی نو در عرصه علم و فناوری است، برای حفظ و نگهداشت آنان باید بیش از هر چیز دیگر به پرجاذبه کردن فضای علمی و پژوهشی کشور اندیشید و توجه داشت که حمایت‌های مادی و معنوی به‌تنهایی نمی‌تواند عطش علمی آنان را فرو نشاند. بلکه در این خصوص انجام اقداماتی به‌شرح زیر در برنامه پنجم توسعه ضروری است:

- ایجاد یک سامانه متمرکز و بانک اطلاعاتی جامع برای مدیریت، هدایت و حمایت از نخبگان،

- تنوع‌بخشی به امکانات علمی و پژوهشی توأم با حمایت‌های مادی و معنوی برای فراهم آوردن زمینه جذب و نگهداری و بالندگی نخبگان در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی،

- تسهیل ارتباطات علمی بین‌المللی از جمله امکان مسافرت‌های علمی متعدد برای شرکت در همایش‌های علمی بین‌المللی، کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت،

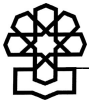
- برگزاری دوره‌های تحصیلی مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی،

- زدودن مقررات دست و پا گیر و پر پیچ و خم که موجب اختلال در روند پژوهش و دلزدگی نخبگان می‌شود.



جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد برای رفع خلأهای قانونی

۱. در حال حاضر بخش قابل توجهی از اعتبارات پژوهشی، در جهت جبران بودجه امور غیر پژوهشی هزینه می‌شود، زیرا اعتبارات پژوهشی طبق معمول و بی‌توجه به اولویت‌ها و نیازهای تحقیقاتی کشور مستقیماً در اختیار سازمان‌های دولتی قرار می‌گیرد. حال آنکه با اصلاح قوانین موجود و احیاناً وضع مقررات جدید می‌توان به روالی اندیشید که اعتبارات پژوهشی توسط نهادی مستقل برپایه فرصت‌های برابر (براساس شایسته‌سالاری، و نه سهمیه‌بندی)، میان پژوهشگران کشور توزیع شود.
۲. در حال حاضر از امکانات دانشگاهی (که از محل بودجه دولتی تهیه شده‌اند) حداقل استفاده به عمل می‌آید، که این خود به افزایش قیمت تمام شده تحقیقات و هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده منتهی می‌شود. در جهت رفع این نقیصه می‌توان با وضع قوانین نظارتی خاص و الزام دانشگاه‌ها (و دیگر سازمان‌های دولتی) به پاسخگویی در قبال مصرف منابع و قیمت تمام شده خدمات خود، آنها را به استفاده حداکثری از امکانات موجود (به‌ویژه منابع و دستگاه‌های گران‌قیمت و کمیاب) موظف کرد.
۳. در حال حاضر ساختار پژوهشی دانشگاه‌ها براساس ارتباط فردی استاد و دانشجو است. حتی ارتباط صنعت و دانشگاه نیز کمتر در قالب روابط سازمانی، بلکه با اتکا به ارتباطات فردی برقرار می‌شود. حال آنکه ارتباط پایدار و نهادینه صنعت و دانشگاه مستلزم برقراری و تداوم روابط بین سازمانی و نه شخصی است.
- در جهت حل این مشکل لازم است که در درجه اول با وضع قوانین حمایتی



- ساختار پژوهشی دانشگاه به سمت شکل‌گیری گروه‌های تحقیقاتی سوق داده شود و در درجه دوم با حذف موانع دست و پاگیر امکان انعقاد قراردادهای بین دستگاهی بیش از پیش فراهم آید.
۴. تعویض دوره‌ای مدیران متأثر از تغییر دولت‌ها، نظام علم و فناوری کشور را با عدم ثبات در اجرای برنامه‌های بلندمدت مواجه می‌کند و شتاب توسعه علمی کشور را کاهش می‌دهد. به این لحاظ وضع مقررات حمایتی به‌منظور احصا و تثبیت سمت‌های مدیریتی در حوزه علم و فناوری می‌تواند به رفع این نقیصه کمک کند.
 ۵. شاخص‌های آماری و کمی نمی‌توانند جایگاه علمی ایران و کشورهای منطقه را به دقت مشخص کنند. به این لحاظ انتخاب شاخص‌هایی که بتوانند دستیابی کشور به توسعه صنعتی و اثرگذاری آن را در دنیای علم مشخص کنند، از ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برخوردار است، زیرا در غیاب چنین شاخص‌هایی بیم آن می‌رود که تشخیص مسیر به‌درستی صورت نگیرد.
 ۶. در سال‌های اخیر مراکز پژوهشی که حلقه ارتباط دانشگاه و صنعت هستند، عملاً به واحدهای تحصیلات تکمیلی تبدیل شده‌اند. حال آنکه نیل به هدف‌های سند چشم‌انداز ایجاب می‌کند که با وضع مقررات جدید تغییر ساختار مراکز پژوهشی از وضعیت دانشگاه - گونه فعلی به وضعیت ذاتی و اولیه خودشان (به‌عنوان محلی صرفاً برای انجام پژوهش‌های اصیل و کاربردی، نه پروژه‌های آموزشی) دنبال شود.
 ۷. در حال حاضر اولویت‌های پژوهشی در فناوری‌های پیشرفته با توجه به موضوعات مطرح در کشورهای پیشرفته و نه براساس نیازها و ظرفیت‌های کشور تعیین می‌شود. درحالی که اولویت‌بندی فناوری‌های پیشرفته باید در قالب طرحی کلان



در توسعه علم و فناوری صورت گیرد. وضع مقررات برای این اولویت‌بندی و رعایت آن توسط دستگاه‌های اجرایی می‌تواند در برنامه پنجم توسعه پیگیری شود.

۸. در حال حاضر کارآفرینی عموماً به ایجاد واحدهای کوچک صنعتی، خدماتی معطوف است، درحالی که کارآفرینی به مفهوم ایجاد فرصت‌های جدید است و به این لحاظ ضرورت دارد که با وضع قوانین حمایتی از کارآفرینان نوآور حمایت شود.

در شرایط کنونی، بخش خصوصی در عرصه علم و فناوری توان رقابت با دستگاه‌های دولتی را ندارد، بنابراین در عمل تمام پروژه‌های پژوهشی به بخش دولتی ارجاع می‌شود و در نتیجه بخش خصوصی همواره در حالت ضعف باقی می‌ماند. در جهت رفع این مشکل بر عهده دولت است که به‌شدت از هسته‌های اولیه تشکیل فرصت‌های پژوهشی در بخش‌های غیردولتی حمایت مالی و معنوی به‌عمل آورد.

در حال حاضر حمایت از نخبگان، بخشی از برنامه‌های سازمانی در وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش و پرورش پزشکی است. با این حال به‌دلیل خلأهای قانونی موجود این حمایت به‌درستی قابل اعمال نیست. به این لحاظ برای برون‌رفت از وضع موجود، وضع قوانین مشخص برای حمایت از نخبگان ضرورت دارد.



منابع و مآخذ

۱. مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ابلاغی مقام معظم رهبری به دولت، ۱۳۸۷.
۲. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی (۱۳۸۶)، گزارش‌های آموزش عالی ایران ۱۳۸۵، تهران.
۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی لوح حق، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷.
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، لوح حق، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ۱۳۸۷.
۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، لوح حق قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷.
۶. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، قانون بودجه کل کشور سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۷۸۱

عنوان گزارش: ۱۲. مروری بر سیاست‌های کلی برنامه پنجم در بخش آموزش عالی

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش عالی)
تهیه و تدوین‌کنندگان: علی افتخاری، احمد داوری
ناظران علمی: علی اخوان، ایروان مسعود اصل
متقاضی: معاونت پژوهشی
سرپرستان: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۵/۱۱